



شخصیت و شخصیت پردازی در «کلیدر»

(از محمود دولت آبادی)

پژوهشگر

فاطمه سلطانی

استادان راهنما

دکتر فروغ صهبها

دکتر محمدرضا عمران پور

استادان مشاور

دکتر امین رحیمی

دکتر حسن حیدری

بهار ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

شخصیت و شخصیت پردازی در کلیدر (از محمود دولت آبادی)

توسط:

فاطمه سلطانی

رساله

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های
تحصیلی لازم برای اخذ درجه دکتری

در رشته زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه اراک

اراک-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی.....

دکتر فروغ صهبا (استاد راهنما و رئیس کمیته)..... دانشیار

دکتر محمدرضا عمران پور (استاد راهنما و رئیس کمیته)..... دانشیار

دکتر امین رحیمی (استاد مشاور)..... استادیار

دکتر حسن حیدری (استاد مشاور)..... دانشیار

دکتر حمیرا زمردی (داور خارجی)..... دانشیار

دکتر محمدحسین محمدی (داور خارجی)..... دانشیار

دکتر محسن ذوالفقاری (داور داخلی)..... دانشیار

تیر ۱۳۹۳

زوالی

چکیده

شخصیت و شخصیت‌پردازی در «کلیدر» (از محمود دولت‌آبادی)

فاطمه سلطانی

رمان کلیدر با بهره‌گیری متنوع از عامل شخصیت‌پردازی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری داستان، به یکی از آثار برجسته و جذاب دولت‌آبادی تبدیل شده است. این پژوهش بر آن است تا با شناخت ابعاد و شیوه‌های گوناگون شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر و شرح و بسط شاخصه‌های آن، برجستگی این عنصر داستانی را آشکار کند تا از این طریق، زاویه‌ای دیگر از خلاقیت این نویسنده را در نگارش رمان کلیدر نشان دهد. نویسنده از دو شیوه شخصیت‌پردازی مستقیم و غیرمستقیم استفاده کرده است. براساس نتیجه تحقیق، شخصیت‌پردازی از طریق توصیف وضعیت ظاهری در رمان کلیدر از بسامد بالایی برخوردار است. راوی با استفاده از شگرد توصیف در سطح ظاهر، اعمال و رفتار، اندیشه و درونیات افراد، اقدام به پرورش ابعاد مختلف شخصیتی می‌کند. در شیوه غیرمستقیم شخصیت‌پردازی بر مبنای رفتار و کردار شخصیت‌ها و شخصیت‌پردازی بر اساس گفت‌وگو از مهم‌ترین شگردهایی است که دولت‌آبادی در ساخت شخصیت‌های رمان کلیدر و برای معرفی شخصیت‌ها از آن بهره برده است. این مسأله نشان می‌دهد که اغلب افراد رمان شخصیت‌هایی متحول، پویا و جزء شخصیت‌های نمایشی به‌شمار می‌روند. شخصیت‌پردازی از طریق نام کمترین نقش را در ساخت و پرداخت شخصیت‌های رمان دارد.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی؛ شخصیت؛ شخصیت‌پردازی؛ دولت‌آبادی؛ کلیدر.

فهرست مطالب

عنوان مطالب	شماره صفحه
پیش گفتار.....	1
بخش اول: کلیات و تعاریف.....	3
بیان مسأله.....	3
روش و پیشینه تحقیق.....	3
سؤالات پژوهش.....	5
مقدمه.....	6
رمان.....	۹
عناصر داستان.....	۳۱
فصل دوم: نویسنده و رمان کلیدر.....	۴۴
درباره نویسنده	۴۴
رمان کلیدر.....	۴۸
ویژگی های سبکی رمان کلیدر.....	۶۹
بهره گیری نویسنده از عناصر بومی در رمان.....	۷۲
بهره گیری از ادب کهن فارسی.....	۷۷
ویژگی های منحصر به فرد نثر کلیدر(نوآوری ها و ابتکارات نویسنده).....	۸۲
تحلیل ساختاری رمان کلیدر.....	89

فصل سوم: شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر.....	99
شخصیت.....	99
رابطه شخصیت با دیگر عناصر داستان.....	111
شخصیت و زبان	116
تقسیم بندی شخصیت داستانی.....	127
شخصیت‌پردازی.....	135
شخصیت در رمان کلیدر.....	136
شخصیت مردان رمان کلیدر	143
شخصیت زنان رمان کلیدر	176
شیوه‌های شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر	192
نمودار انواع شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر	196
شخصیت‌پردازی توصیفی یا مستقیم	196
شخصیت‌پردازی بر مبنای توصیف ظاهر شخصیت	197
شخصیت‌پردازی بر مبنای توصیف عواطف، احساسات شخصیت‌ها.....	206
شخصیت‌پردازی غیرمستقیم.....	210
شخصیت‌پردازی بر مبنای کردار و رفتار شخصیت‌ها.....	210
شخصیت‌پردازی بر مبنای گفت‌وگو.....	214
شخصیت‌پردازی بر مبنای تک‌گویی درونی	227
شخصیت‌پردازی بر مبنای نام شخصیت‌ها.....	241
شخصیت‌پردازی چندبعدی	247
جدول روش‌های شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر	254

نتیجه ۲۵۶

پی نوشت ۲۶۰

منابع ۲۶۴

پیش‌گفتار

به حکم علاقه و جذابیت ادبیات معاصر به‌ویژه ادبیات داستانی برآن شدیم تا عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی را در یکی از بزرگ‌ترین و ماندگارترین آثار ادبیات فارسی مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

رساله در سه بخش عمده دسته‌بندی شده است. بخش اول مدخلی است برای ورود به مباحث اصلی؛ از این رو ناگزیر در این بخش کوشیدیم تا به منظور حصول آگاهی مقدماتی و درک بهتر آنچه در بخش‌های دیگر خواهد آمد، بعد از ذکر مقدمه تعریفی از رمان ارائه شود و مختصری از تاریخچه رمان ادبیات جهان و ادبیات ایران ذکر شود. از آن‌جا که رمان کلیدر از نظر خصوصیت مکتبی در جرگه رمان رئالیستی قرار می‌گیرد، از این جهت شایسته می‌نمود که در این قسمت هرچند به طور مختصر درباره این مکتب ادبی سخن به میان آید. شایان ذکر است که عناصر داستان همچون حلقه‌های زنجیر به هم وابسته و پیوسته‌اند و بررسی عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی، بدون معرفی دیگر عناصر داستان تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد؛ بر این اساس در فصل اول رساله مبحثی برای معرفی و بررسی سایر عناصر داستانی اختصاص داده شد و ضمن آن پیوند و رابطه عنصر شخصیت با سایر عناصر داستانی نیز تجزیه و تحلیل شد.

در فصل دوم رساله در مورد نویسنده، زندگی، دیدگاه و آثارش سخن به میان آمد؛ زیرا برای بررسی و شناخت یک رمان این نکته ضروری است که بدانیم نویسنده آن کیست و چه طرز تفکر و نگاهی به رمان و رمان‌نویسی دارد، پیشینه‌اش چیست و انگیزه‌های آفرینش اثرش کدامند؟ همچنین به‌طور ویژه به رمان کلیدر و ویژگی‌های زبانی، سبکی و خصوصیات مهم دیگر آن نظیر تخیل و نماد پرداخته شد. در قسمت بررسی ویژگی‌های سبکی رمان آن‌چه بیش از همه ما را در کشف و تعیین تشخص سبکی دولت‌آبادی یاری می‌کند، بهره‌گیری نویسنده از عناصر بومی و عناصر زبانی ادب کهن فارسی در کنار خلاقیت‌های نویسنده است.

در فصل سوم که بخش اصلی و محوری رساله است؛ تعریفی از عنصر شخصیت ارائه و انواع شخصیت‌ها معرفی سپس شخصیت‌های مهم حاضر در رمان کلیدر تحلیل شدند و در ادامه به هسته اصلی مباحث رساله؛ یعنی شخصیت‌پردازی پرداخته شد. در این مبحث ضمن تعریف شخصیت‌پردازی و ذکر شیوه‌های مختلف آن، انواع شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر کشف و با ذکر شواهدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

فصل اول: کلیات و تعاریف

بیان مسأله

از آن جا که شخصیت و شخصیت‌پردازی از عناصر اصلی تحلیل ساختار داستان است و بسیاری از آثار بزرگ جهان ادبیات، اساساً به دلیل شخصیت‌پردازی مقبولیت یافته‌اند، انتخاب شخصیت یا شخصیت‌های مناسب، با صفات و خصال و توانایی‌های ویژه خود، یکی از فنون مهم و قابل دقت در داستان‌پردازی است. این جستار انواع شخصیت‌های رمان کلیدر را از زوایای مختلف بررسی کرده سپس مهم‌ترین شیوه‌های شخصیت‌پردازی که نویسنده در ساخت و پرداخت شخصیت‌های رمان به آن‌ها توجه داشته، معرفی کرده است. هدف تحقیق آن است که با شناخت ابعاد و شگردهای مختلف شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر و بررسی ویژگی‌ها و شاخصه‌های آن، جنبه نوینی از خلاقیت و ابتکار دولت‌آبادی در نگارش رمان کلیدر آشکار شود.

روش و پیشینه تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و شیوه استدلال استقرایی (از جزء به کل) است؛ بدین ترتیب که با بررسی منابع طراز اول و اساس قرار دادن خود متن رمان کلیدر، به گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات می‌پردازد و با تجزیه و تحلیل شواهد و اطلاعات، ساختارهای اساسی این جستار متحقق می‌شود. در این رساله در مباحث مختلف آن نظیر مبحث معرفی و تحلیل شخصیت‌ها، شیوه‌های شخصیت‌پردازی سعی شده است تا از شخصیت‌های اصلی و مهم رمان استفاده شود. در مثال‌ها و شواهد برگرفته شده از متن کتاب، اغلب کلمات سرهم نوشته شده‌اند که این امر به منظور حفظ شیوه رسم الخط و شکل نوشتاری نویسنده در رمان کلیدر لحاظ شده است. همچنین علائم سجاوندی در مثال‌ها نیز دقیقاً

منطبق بر شیوه نگارش خود رمان است و هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته است. در بحث تجزیه و تحلیل شخصیت‌ها و سایر قسمت‌های رساله از زبان خاص نویسنده و ساختار نوشتاری خود متن رمان بهره گرفته شده است. نحوه بیان طرح رمان و شیوه معرفی و بررسی شخصیت‌ها و ذهنیات آن‌ها در رساله به گونه‌ای است که اگر خواننده‌ای تمامی رمان را نخوانده باشد، در مسیر رمان قرار می‌گیرد و می‌تواند ساختار کلی‌ای از رمان را در ذهن خود داشته باشد؛ بنابراین عدم ذکر کل داستان و بیان جزئیات آن خللی در اصل پژوهش ایجاد نمی‌کند. برای بررسی سابقه تحقیق در رمان کلیدر ذکر چند نکته شایان توجه است؛ اول آن که دسته‌ای از نویسندگان در خلال تحلیل آثار دولت‌آبادی به دلیل حجم بالای رمان کلیدر، از تجزیه و تحلیل آن سر باز زدند. دسته دوم نویسندگان و منتقدانی هستند که بدون آن که یک بار رمان کلیدر را به درستی یا به طور کامل خوانده باشند، با مطالعه سطحی و شتابزده دست به نقد و تحلیل این رمان زده‌اند و ادعاهای نادرستی کرده‌اند. این دسته از نویسندگان گاهی حتی نام قهرمان‌های اصلی رمان را صحیح ذکر نمی‌کنند و یا برخی حوادث داستان را به اشتباه به شخصیت‌هایی غیر از آن‌چه در رمان آمده، نسبت می‌دهند. دسته دیگر نویسندگانی هستند که با تأمل و تعمق بسیار رمان کلیدر را بررسی کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد. به عنوان سابقه تحقیق صورخیال در آثار دولت‌آبادی می‌توان به مقاله «تشبیه اندیشی در رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده اثر محمود دولت‌آبادی»، از یحیی کاردگر و رزاق قدمنان اشاره کرد. درمورد رویکردهای بوم‌گرایانه در رمان کلیدر پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل عناصر بومی (دینی و ملی) بزرگ‌ترین رمان فارسی (کلیدر)» از مصطفی گرجی صورت گرفته است. این مقاله ابعاد و عناصر بومی‌گرایی رمان کلیدر را با در نظر گرفتن هویت ایرانی، اسلامی آن بررسی کرده است. همچنین مقالاتی با نام «نقد حماسه و تراژدی بر اساس کلیدر دولت‌آبادی»، «موسیقایی بودن ساختار در کلیدر»، «کلیدر دولت‌آبادی و فلسفه مداخله‌گری

روایت» و «دلالت‌های ضمنی در جای خالی سلوچ و کلیدر دولت‌آبادی» از قهرمان شیری، «خشونت علیه زنان در آثار دولت‌آبادی» از صبا واصفی و حسن ذوالفقاری، «ویژگی‌های زبان روایت در سه اثر محمود دولت‌آبادی»، از حسین حسن‌پور آلاشتی، «کلیدر و زبان رمان» از رضا براهنی نوشته شده است. کتاب‌های مختلفی نیز نوشته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به کتابی از محمدرضا قربانی با عنوان «نقد و تفسیر آثار دولت‌آبادی از آغاز تا امروز»، کتاب «نقد آثار دولت‌آبادی» نوشته عبدالعلی دستغیب و کتاب «رمان درخت هزار ریشه» از کتایون شهپرراد ترجمه به‌آذین اشاره کرد که به نقد و تحلیل سایر آثار دولت‌آبادی از جمله رمان کلیدر پرداخته‌اند. اما پژوهش و تحلیل در حوزه عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر، به صورت تخصصی و روشمند تجربه نشده است. این پژوهش بر آن است که شیوه‌های گوناگون شخصیت‌پردازی را در رمان کلیدر بررسی کرده، مهم‌ترین این شیوه‌ها را که نویسنده از آن بهره برده، معرفی نماید.

سؤالات پژوهش

این جستار بر آن است تا به پرسش‌های مفروض ذیل پاسخ گوید؛ پرسش کلی که مطرح می‌شود این است که ضرورت بهره‌گیری دولت‌آبادی از شخصیت‌های انبوه چیست؟ ویژگی بارز هریک از این شخصیت‌ها و انگیزه اعمال آن‌ها چه بوده است؟ شخصیت‌ها با توجه به میزان حضور و کنش آن‌ها در رمان و با توجه به میزان تغییر و تحولات آن‌ها در عرصه رمان کدامند و به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شوند؟ تأکید و توجه دولت‌آبادی در نگارش رمان کلیدر به سمت شخصیت‌پردازی مستقیم است یا به سمت شخصیت‌پردازی غیرمستقیم؟ نویسنده از به کارگیری هریک از این دو شیوه به دنبال چه هدفی است؟ انواع شگردهای شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر کدامند و از نظر آماری کدام یک از این شیوه‌ها بیشترین یا کمترین نقش را در شخصیت‌پردازی افراد بر عهده دارند؟

این تحقیق با تجزیه و تحلیل شخصیت‌ها و بررسی شیوه‌های گوناگون شخصیت‌پردازی می‌تواند برای کسانی که به ادبیات داستانی و نقد و تحلیل آن علاقه دارند، سودمند بوده، احتمالاً راه‌گشای برخی ابهامات و پرسش‌ها در خصوص نقد داستان کلیدر باشد و دیگر این‌که این رساله با پیش‌رو قرار دادن حجیم‌ترین رمان محمود دولت‌آبادی، می‌تواند به عنوان کلیدی باشد در فهم انواع شخصیت و انواع شیوه‌های شخصیت‌پردازی در سایر آثار دولت‌آبادی و همچنین زمینه‌ای باشد برای آشنایی خوانندگان با طرز نگرش نویسنده، سبک و زبان او در سایر آثارش.

مقدمه

همگام با مهم‌ترین جریان نیرومند آغاز قرن بیستم؛ یعنی مدرنیسم به عنصر شخصیت به جای حادثه‌پردازی، اهمیت زیادی داده شده است. شخصیت‌پردازی از ارکان مهم داستان‌پردازی است که نویسنده به کمک آن می‌تواند به داستان و قهرمانان داستانش رنگ واقعی ببخشد. بنیاد اغلب رمان‌های موفق بر پایه شخصیت‌پردازی است و این شخصیت داستان است که به آن ارزش و اعتبار می‌دهد. عموماً بر این عقیده‌اند که حوادث در شاهکارهای ادبی به‌طور منطقی از تقابل خلیات و طبایع آدم‌های داستان به‌وجود می‌آید. به‌طور معمول هر نویسنده در ادبیات داستانی، بینش، تفکر، احساسات و اعتقادات خاص خود را در مسیر داستان به نمایش می‌گذارد از آن‌جا که بهترین تجلی‌گاه این احساسات و اعتقادات، شخصیت‌ها هستند، شخصیت‌پردازی نیز در ادبیات داستانی اهمیت پیدا کرده است و خواننده با شناخت شخصیت‌های داستانی می‌تواند با ایدئولوژی، احساسات و جهان‌بینی نویسنده آشنا شود. در بررسی عناصر داستان، شخصیت عنصری است که متقابلاً بر بیشتر عناصر داستانی تأثیر می‌گذارد. بسیاری از خوانندگان اثر ادبی، این آثار را با نام شخصیت‌هایشان به یاد می‌آورند. هر قدر این شخصیت‌ها با

دقت و خلاقیت بیشتری خلق و پرداخته شوند، در طول زمان و در اذهان مخاطبان از جاودانگی بیشتری برخوردار می‌شوند. «شخصیت‌ها را باید پایه‌هایی دانست که ساختمان یک اثر بر روی آن‌ها ساخته می‌شود. هر قدر این پایه‌ها با استحکام‌تر باشند، بنا محکم‌تر و پایدارتر و از گزند زمانه مصون‌تر خواهد ماند.» (دقیقیان، ۱۳۷۱، ص ۱۷) از عوامل دیگر اهمیت عنصر شخصیت، شناخت داستان‌هایی هستند که بر پایه مسائل روان‌شناسی نوشته شده‌اند، این داستان‌ها اغلب دارای شخصیت‌پردازی قوی هستند. آثار برخی از نویسندگان بزرگ کلاسیک مانند داستان «دهکده اسپانچیکوو و ساکنان آن» و رمان «ابله»، اثر داستایفسکی، رمان «آناکارنینا» اثر تولستوی و شخصیت‌های ناولت‌ها و داستان‌های بلندش؛ «سونات کورویتسر»، «بابا سرگنی» و «مرگ ایوان ایلیچ»، به دلیل شخصیت‌پردازی مقبولیت یافته‌اند. داستایفسکی، به دلیل توانمندی در همین عرصه و روان‌کاوی شخصیت‌هایش، یکی از بزرگان ادبیات داستانی جهان شده است. در میان مدرنیست‌ها، فاکتر هم در نوزده رمان و هم در نود و یک داستان کوتاه خود، شخصیت‌هایی به یادماندنی ساخته است. از جمع نویسندگان داستان‌های کوتاه و بلند، ادگار آلن پو و چخوف، درخشان کار کرده‌اند. همچنین از نام‌گذاری یک نوع رمان به نام رمان شخصیت و خلق رمان بیلدنگ^۱ و از توجه و تأکید زیادی که رمان عقاید یا تبلیغی بر عنصر شخصیت دارد، می‌توان به اهمیت شخصیت در داستان‌پردازی‌ها پی‌برد.

کوتاه‌ترین داستان‌ها حداقل باید چند عنصر عمده روایت را داشته باشند. یک داستان بدون شخصیت نمی‌تواند باشد و این شخصیت وقتی معنی پیدا می‌کند که عملی را در توالی اعمال دیگر انجام دهد؛ بنابراین سه عنصر شخصیت، عمل و پیرنگ، برای هر روایتی ضروری است تا به داستان تبدیل شود. این عناصر در مختصرترین و موجزترین شکل خود در همه داستان‌ها حضور دارند و نمی‌توان آن‌ها را از داستان حذف کرد.

^۱ بیلدنگ اصطلاحی آلمانی است و به معنی رشد و کمال است. موضوع این‌گونه رمان‌ها رشد و شکل‌گیری فکر و شخصیت قهرمان داستان است.

بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی را در غرب می‌توان از حدود ۴۰۰ سال پیش و هم‌زمان با پیدایش رمان در نظر گرفت. توجه به شخصیت و شخصیت‌سازی به صورت جدی و دقیق از قرن هفدهم شروع شد و بعدها با پا گرفتن رمان، به خصوص رمان‌های روان‌شناختی، به اوج خود رسید ولی در قرون وسطی نیز به شخصیت‌نگاری و تیپ‌سازی توجه می‌شد، از نمونه‌های بارز این نوع تیپ‌سازی به پیش‌گفتار قصه‌های کانتربری نوشته چاسر می‌توان اشاره کرد. نظریه‌ی عالم صغیر^۱ فرانسیس بیکن در سال ۱۶۰۵ در توسعه‌ی شخصیت‌داستانی بسیار مؤثر بود؛ زیرا معتقدان به این نظریه اعتقاد داشتند که با مطالعه و توصیف عالم صغیر (انسان) می‌توان عالم کبیر را شناخت. (ر.ک. اخوت، ۱۳۷۱، ص ۱۲۸) در قرن هفدهم مطالعه درباره‌ی شخصیت به اوج خود رسید. در این زمان قیافه‌شناسی و تحلیل شخصیت افراد از مطالعه‌ی چهره‌ی آنان در محافل ادبی و روشنفکری بسیار رایج بود. نویسندگان خصوصیات روحی و جسمی افراد معروف را به تفصیل و با ذکر جزئیات می‌نوشت. این روش مورد علاقه‌ی بالزاک نیز قرار گرفت. از اواخر قرن هیجدهم، آرام آرام انسان در مرکز توجه قرار گرفت و انسان‌مداری جایگاه ویژه‌ای یافت. این امر بر رمان‌نویسی تأثیر مستقیمی گذاشت و نویسندگانی مانند فلوربر، جرج ایوت و داستایفسکی، به شخصیت‌پردازی توجه خاصی کردند و بعد در زمان هنری جیمز، شخصیت‌پردازی به اوج خود رسید. هنری جیمز شخصیت و کنش را متأثر از یکدیگر می‌دانست. او در این‌باره چنین می‌نویسد: مگر شخصیت چیزی است جز آن‌چه حادثه‌ی قصه تعیین می‌کند و مگر حادثه چیزی جز تشریح و تصویر اشخاص قصه می‌تواند باشد؟ نویسندگان قرن بیستم؛ به‌طور مشخص پروست، جویس و ولف، میراث ارزشمند جیمز را به اوج شکوفایی خود رساندند. در آثار این نویسندگان توصیف دقیق و همه‌جانبه، ریزنگاری، اشخاص و مکان‌داستانی به‌خصوص

^۱ فرانسیس بیکن در رساله‌ی «ترویج دانش» (Advancement of Learning) نظریه‌ی عالم صغیر و کبیر را مطرح کرد او انسان را عالم صغیر و جهان را عالم کبیر می‌دانست. البته حضرت علی (ع) در دیوان منسوب به ایشان انسان را عالم کبیر معرفی کردند: «أَتَرَّ عَمَّ أُنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ فَيَكُ إِنُّوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ» آیا تو گمان می‌کنی جرم کوچکی هستی در حالی که جهان بزرگی در تو نهفته است. (بیهقی نیشابوری، ۱۳۷۳، ص ۱۳۴)

فضاسازی جایگاه بس مهمی دارد. داستان امروز به حدی به نشان دادن و جزء نگاری توجه دارد که شاید بتوان گفت داستان، چیزی جز فضاسازی و جزئیات نگاری نیست. در داستان امروز دیگر هیچ جایی برای تیپ سازی، کلی گویی و خود مرکز بینی (نویسنده) نیست. (ر.ک. همان، ص ۱۲۹)

رمان

ادبیات داستانی کلاً به آن دسته از آثار روایتی اطلاق می شود که جنبه تخیلی آن ها بر واقعیت غلبه دارد و شامل قصه، داستان کوتاه، داستان بلند، رمان و رمانس می شود. رمان در دوران معاصر در سطح و عمق، اهمیت و اعتبار زیادی به دست آورده است. انبوهی از مردم در سراسر جهان به خواندن رمان رغبت پیدا کردند. خواندن رمان در عصر حاضر هم جزء تفریحات و هم جزء ضروریات زندگی مدرن شده است؛ چراکه در سایه خواندن رمان، مردم زبان ملی را بهتر فرا می گیرند و با شیوه تفکر و زندگی افراد و مردمی متفاوت نیز آشنا می شوند. «رمان امروز مهم ترین بازتاب دهنده دیدگاه ها، تفکرات، روحیه، شیوه زندگی و آرمان های عصر به حساب می آید. خواننده آن را همچون یک سند، یک بیان نامه، یک متن دقیقاً ساخته و پرداخته شده می خواند و نویسنده آن را بسان سند خلاقیت و مهارت خود، بیان نامه دیدگاه ها، افکار و نظرات خویش و گزارشی از واقعیت جهان، بدان گونه که او خود آن را می بیند، می نویسد.» (محمودیان، ۱۳۸۲، ص ۱۲)

قبل از ورود به بحث تعریف رمان، ضروری به نظر می رسد، تعاریفی از رمانس و داستان بلند داشته باشیم تا با شناخت این انواع ادبی، بتوانیم به درک درستی از معنا و مفهوم رمان برسیم. «رمانس romance قصه خیالی یا منظومی است که به وقایع غیرعادی یا شگفت انگیز توجه کند و ماجراهای عجیب و غریب و عشق بازی های اغراق آمیز یا اعمال سلحشورانه را به نمایش

گذارد.» (میرصادقی، ۱۳۸۰، ص ۲۲) از نمونه‌های رمانس می‌توان به رمانس معروف «داستان-های آرتور شاه» نوشته‌ی توماس مالوری انگلیسی اشاره کرد و دیگر «آلیس در سرزمین عجایب» از لوئیس کارل انگلیسی که با تکیه بر خیال پردازی‌های صرف و واقع‌گریزی نوشته شده‌اند و خصوصیتی عامه‌پسند دارند. در ایران «ویس و رامین» اثر فخرالدین اسعد گرگانی تا حدودی به رمانس شباهت دارد. داستان بلند (رمان کوتاه) short novel، نوعی اثر داستانی که از رمان، کوتاه‌تر و از داستان کوتاه بلندتر است. در این نوع داستان، ایجاز داستان کوتاه و تفصیل رمان هوشیارانه به هم آمیخته می‌شوند؛ به نحوی که تعداد شخصیت‌ها، گستره‌ی زمانی و زنجیره‌ی حوادث آن از رمان کمتر و کوتاه‌تر، و از داستان کوتاه، بیشتر و گسترده‌تر است. از نمونه‌های خارجی این‌گونه آثار می‌توان به داستان‌هایی چون: «دل تاریکی» از جوزف کنراد، «مسخ» از فرانتس کافکا، «بیگانه» از آلبر کامو اشاره کرد. «بوف کور» از صادق هدایت، «مدیر مدرسه» از جلال آل احمد و «آوسنه‌ی بابا سبحان» از محمود دولت‌آبادی از جمله نمونه‌های فارسی داستان بلند هستند.

تعریف رمان

رمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین انواع داستان، در دگرگونی افکار و اندیشه‌ها، در تکوین و پرورش شخصیت‌ها و در تحول اساسی و بنیادی اجتماع، نقش بسیار حساس و مهمی دارد. «عرصه‌ی رمان، عرصه‌ی تجلی درک و دریافت و شناخت نویسنده از کل جریان هستی و جامعه بشری، و یا دست کم عرصه‌ی سعی و تلاش نویسنده برای درک جهان و زندگی انسان و شاید عرصه‌ی برای مکاشفه‌ی زندگی و کشف دوباره‌ی انسان و رابطه‌ی این انسان و این زندگی است.» (ورجانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱) خواندن یک رمان در صورتی که خواننده تحت تأثیر واقعیت آن قرار گیرد، از دیدن تصویر واقعی خودش در آینه یا در قطعه عکس، چیزی کم ندارد. به این سبب

می‌توان به ارزش و اعتبار رمان خوب پی برد؛ زیرا خواننده خواه ناخواه تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در قالب شخصیت‌های رمان فرو می‌رود و بعد مستقیم یا غیرمستقیم حرکات و رفتار شخصیت‌های رمان را تقلید می‌کند. تعمیم چنین کیفیتی در هر کس که کتاب می‌خواند، نتیجه عظیمی به بار می‌آورد و فرهنگ و خصلت جامعه‌ای را ممکن است دگرگون کند. از این نظر مهم‌ترین رمان، رمانی است که وجدان را شست و شو بدهد و شعور ما را نسبت به خود و دنیای اطرافمان تعالی بخشد و گاهی نیز ما را از خود بی‌خود کند. رمان خوب، رمانی است که در واقعیتش صمیمیت و درستی باشد، خوب ببیند، خوب و با شهامت نشان بدهد و تصویرگر پاره‌ای از زندگی آدمی باشد. (ر.ک. میرصادقی، ۱۳۷۶، ص ۴۰۹) به دست دادن تعریفی دقیق از رمان کار دشواری است؛ چراکه هر نویسنده و صاحب نظری بر اساس مبانی ذهنی و ایدئولوژیکی خود رمان را به گونه‌ای تعریف کرده است. ای. ام. فورستر در کتاب جنبه‌های رمان، به نقل از آبل شوو والی، منتقد انگلیسی با تکیه بر جنبه کمی رمان آن را چنین تعریف کرده است: «رمان داستانی است به نثر، با وسعتی معین و این برای ما کافی است؛ جز این که شاید اضافه کنیم که این حد یا وسعت نباید کمتر از پنجاه هزار کلمه باشد. از این نظر هر اثر داستانی منثوری که بالغ بر پنجاه هزار کلمه باشد، رمان است.» (فورستر، ۱۳۹۱، ص ۸) برخی نویسندگان به تعریف کلی رمان اکتفا کرده‌اند؛ در فرهنگ اصطلاحات ادبی «هاری شا» رمان چنین تعریف شده است؛ روایت منثور داستانی طولانی که شخصیت‌ها و حضورشان را در سازمان‌بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌ها تصویر کند. اثری داستانی که کمتر از سی تا چهل هزار کلمه داشته باشد، غالباً به عنوان «قصه»، «داستان کوتاه» و «داستان بلند یا ناولت» محسوب می‌شود اما رمان حد اکثری برای طول و اندازه واقعی خود ندارد. هر رمان شرح و نقلی است از زندگی و متضمن «کشمکش»، «شخصیت‌ها»، «عمل»، «صحنه‌ها»، پیرنگ و «درونمایه» است. (میرصادقی، ۱۳۸۰، ص ۲۳ و ۲۴) سامرست موام رمان را قطعه‌ای می‌داند که

دامنه آن نامحدود است. رمان ممکن است به درازای «جنگ و صلح» یا به کوتاهی «کارمن» باشد. (موام، ۱۳۸۲، ص ۱۳) رمان از نظر شکل و محتوا نسبت به بقیه هنرها شاید به جز سینما، به طور مستقیم‌تری از پدیده‌های اجتماعی مایه می‌گیرد. زرافا میشل بر جنبه اجتماعی بودن رمان بسیار تأکید دارد. او می‌گوید: «رمان انعکاسی است از واقعیت، زیرا جوهر و کیفیت ضروری آن در رابطه‌ای است که میان واقعیت و تخیل نهفته است. رمان در عین آن که از منطق جهان‌شناسی لاینفک و ذاتی خود بهره می‌برد، منطق آن همیشه موافق با منطق جامعه است.» (زرافا، ۱۳۶۸، ص ۷) این تقریباً همان تعریفی است که میمنت میرصادقی در واژه نامه هنر داستان نویسی ارائه می‌دهد. (ر.ک. میرصادقی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸) رمان سعی دارد بر واقعیت تاریخی متکی باشد و غالباً تصویری از مردم، تجارب و حالات بشری به دست دهد. گرچه هر یک از نویسندگان و منتقدان به دلیل تفاوت در دیدگاه‌ها، تعاریف متفاوتی از رمان ارائه داده‌اند ولی عواملی همچون نقل حوادث، واقعیت‌گرایی، تخیل و کمیت، ویژگی‌هایی هستند که همواره مورد تأکید و توجه اغلب نویسندگان بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت: «رمان به عنوان یکی از مهم‌ترین انواع ادبیات داستانی، داستانی طولانی است به نثر روایتی که از خیال یا آمیزه‌ای از واقعیت و خیال نشأت گرفته، بر اساس عادات و حالات آدمی نوشته شده باشد و به نحوی «وضع موجود» جامعه را چنان‌که هست یا چنان‌که باید باشد، بیان می‌کند.» (رحیمیان، ۱۳۸۵، ص ۴۲) یک رمان را باید با لذت خواند. اگر رمان به خواننده لذت ندهد، بی ارزش است. با این حساب، هر خواننده‌ای خودش مهم‌ترین منتقد اثری است که دارد می‌خواند. سامرست موام برای یک رمان خوب ویژگی‌هایی را بر می‌شمارد. از نظر او یک رمان خوب، باید موضوع بسیار جالب توجهی داشته باشد؛ یعنی از نظر انسانی آن قدر وسیع باشد که برای هر مرد و زنی جالب باشد. اجزای یک رمان خوب باید با هم ارتباط منطقی داشته باشند و خواننده را متقاعد کند. رمان باید اول، وسط و پایان داشته باشد. پایان داستان باید نتیجه طبیعی آغاز آن باشد.

پیش آمدها باید محتمل‌الوقوع باشند و باید موضوع را بپروراندند و از خود داستان برویند. گفتار و کارهای شخصیت‌ها باید از خصوصیات فکری، روحی و اخلاقی آن‌ها ناشی شود. تکه‌های «روایت‌کننده» باید روشن و به جا باشد. نثر رمان باید ساده و طرز نوشتن آن باید با موضوع تناسب داشته باشد و دست آخر رمان باید سرگرم‌کننده باشد و این خاصیت اصلی و اساسی رمان است. (ر.ک. موام، ۱۳۸۲، ص ۱۰-۱۲) هرچند وظیفه رمان گزارش مو به مو و بیان دقیق زندگی واقعی نیست اما رمان باید انعکاس دهنده واقعت زندگی باشد. رمان در عمق و جوهر، همان‌گونه که اغلب نویسندگان همواره بر آن تأکید می‌کنند، واقع‌گراست و استوار بر گزارش واقع‌گرایانه از رویدادها؛ بدین‌معنا که امور زندگی روزمره با تمام فراز و نشیب‌ها و پستی و بلندی‌هایش در رمان انعکاس می‌یابد. جزئیات و شخصیت‌های آن، خصوصیات این جهانی و با جزئیات زندگی و انسان‌های پیرامون ما تناسب دارند. رمان جنبه زندگی نامه‌ای دارد و در آن داستان زندگی افراد بازگو می‌شود. شخصیت‌های معین و مشخص به وسیله نام‌های خاص در آن شناسایی می‌شوند. حوادثی که در هر رمان گزارش می‌شوند، حوادث زندگی افرادی معین و شاخص است. هر یک از شخصیت‌های رمان ویژگی‌ها و خصلت‌های خاص خود را دارند و از یک زندگی متناسب با موقعیت خاص خود و امیال و آرزوهای منطبق با زندگی و موقعیت خود برخوردارند. در رمان و ارتباط با هر حادثه یا موقعیت، افق زمانی گذشته و آینده مشخص است. سیر حوادث و تحولات به سمت آینده در حرکت است؛ آینده‌ای که در طول داستان همواره افقی باز و نامتعیین است. گذشته نیز، از یک سو در فرایند روایت و بازگویی داستان فرا افکنده می‌شود. زبان رمان زبانی شسته و رفته است. زبانی است که در آن از سخنوری و کلام پردازی خبری نیست. توصیف واقع‌گرایانه امور و احساسات و تمایلات شخصی افراد جایی برای کلام پردازی باقی نمی‌گذارد. زبان رمان تنها یک وسیله بیان است. (ر.ک. محمودیان، ۱۳۸۲، ص

۴۰-۶۰) این زمینه‌ها عواملی هستند که سبب می‌شود، ادبیات به میان طبقات مختلف مردم جامعه راه یابد تا منعکس کننده زندگی انسان‌ها در تمامی جنبه‌های آن باشد.

انواع رمان

رمان از نظر ساختار، مایه‌ها، شیوه نگارش و محتوا به انواع مختلفی تقسیم می‌شود از جمله؛ رمان تاریخی، اجتماعی، احساساتی، پلیسی، پیکارسک^۱، تاریخی، تجربی، روستایی یا شبانی، محلی، علمی، تمثیلی، مکاتبه‌ای، روانکاوانه یا جریان سیال ذهن، رشد و کمال، حادثه، روانی، رفتار و رسوم اجتماعی، زمین، سیاسی - اجتماعی یا رمان مسأله غامض اجتماعی، رمان شخصیت، ضد رمان، عاشقانه پر ماجرا، تبلیغی، کلیددار، دلهره‌آور یا گوتیک و مکاتبه‌ای. لئونارد بیشاب در نام‌گذاری برخی رمان‌ها، اسامی خاص خود را دارد از جمله؛ رمان اودیسه وار، رمان‌های معما، رمان تحقیقی، رمان پیوسته (سریالی)، رمان تحقیقی، رمان در بسته، رمان خانوادگی، رمان‌های شرح احوال گونه، رمان‌های جاسوسی و رمان شک و انتظار. (ر.ک. بیشاب، ۱۳۹۰، ص ۴۰۱-۲۰۶)

سیر تحول و تکامل رمان نویسی و تاریخچه پیدایش آن

اعتقاد مورگان فورستر بر این است که قدمت داستان گویی به عهد حجر جدید و حتی عهد حجر قدیم می‌رسد. او در کتاب جنبه‌های رمان اشاره می‌کند که عمر داستان گویی به دوره غارنشینی انسان اولیه برمی‌گردد. «مردم شب‌ها هنگام خوردن گوشت شکار، وقایع روزانه را برای هم تعریف می‌کرده‌اند.» (فورستر، ۱۳۸۴، ص ۴۰) تاریخ داستان نویسی عمر نسبتاً کمتری دارد. آن‌چه امروزه به عنوان «داستان» مطرح می‌شود، چه از نظر ساختار و چه از نظر

^۱ رمانی است که اغلب شرح زندگی آدم خانه به دوش، بی سروپا و ماجراجویی از طبقه تهی‌دست است که با دربوزگی و کلاهبرداری امرار معاش می‌کند.